[269] تا اينكه بدست آنان در جهنم سقوط نمودند، وعذاب دردناكى را به آنان چشاندند، وعمويت به دستور پيامبر تبعيد گرديد. واما اينكه من آرزومند خلافتم، سوگند به خدا اگر بدان اميدوار باشم من لياقت آن را دارم، ومن مشابه برادرت (معاويه) نبوده وجانشين پدرت نيستم، چرا كه برادرت نسبت به خدا متمرد ونسبت به ريختن خون مسلمانان ويافتن آنچه سزاوار آن نيست بسيار حريص است، مردم را مكر وفريب مى دهد وخداوند نيز مكر مى كند واو بهترين مكر كنندگان است. واما سخن تو كه على بدترين فرد قريش براى قبيلهء قريش بود، سوگند به خدا كه شخص محترمى را تحقير نكرد ومظلومي را نكشت. واما تو أي مغيرة بن شعبه، تو دشمن خدا ورها كنندهء كتاب خدا وتكذيب كنندهء پيامبر خدا مى باشى، وتو زناكار بوده وسنگسار نمودنت واجب است، وانسانهاى عادل وپاك ومتقى بر زنايت گواهى دادند، اما سنگسار نمودنت را به تأخير انداخت وحق را با اباطيل وسخن را با گفتارهاى نادرست قبول نكرد، واينها علاوه بر عذاب دردناك وپستى در دنيا كه خداوند برايت مهيا ساخته است مى باشد، وعذاب آخرت خواركننده تر مى باشد.
